

در میزگرد تخصصی «طبیعت ایران» مطرح شد پیامدهای محیط‌زیستی ناشی از استخراج معادن (بخش دوم)

برنامه‌های اجرایی مربوط به معدن‌کاوی و استخراج از معادن مختلف با توجه به منابع طبیعی شکننده ایران و بدون در نظر گرفتن الزامات محیط‌زیستی، می‌تواند آسیب‌های جبران‌ناپذیری به محیط‌های طبیعی وارد نماید و از این رو، سبب نگرانی‌های جدی در سطح جامعه علمی کشور شده است. در این رابطه، مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور با برگزاری نشست نخبگانی با حضور دانشمندان و متخصصان مختلف از دستگاه‌های دخیل و نیز مراکز علمی و دانشگاهی، ابعاد گوناگون این موضوع را به بحث گذاشت. در این گفت‌وگو، از نظرات آقایان دکتر علی علیزاده علی‌آبادی، مهندس ترحم بهزاد، دکتر وحید خیرآبادی، دکتر مهدی کمالی، دکتر مجید پورمقدم، دکتر مهرداد اکبریان، دکتر علی بناگر، دکتر خسرو ناقب‌طالبی، دکتر مرتضی خداقلی، دکتر محمد متینی‌زاده، دکتر احمد رحمانی و دکتر حمیدرضا عباسی بهره بردیم. آنچه در ادامه می‌خوانید، بخش دوم و پایانی این گفت‌وگوست.



دکتر علی علیزاده دکتر وحید خیرآبادی مهندس ترحم بهزاد



دکتر مرتضی خداقلی

دکتر مجید پورمقدم

دکتر علی بناگر

دکتر مهرداد اکبریان

دکتر خسرو ناقب‌طالبی

دکتر مهدی کمالی



دکتر حمیدرضا عباسی دکتر محمد متینی‌زاده دکتر احمد رحمانی



طبیعت ایران: جناب آقای دکتر اکبریان، نظرات جناب عالی با توجه به مسئولیت تان در سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری، بسیار ارزشمند است، لطفاً مطالب مرتبط خود را با موضوع این نشست ارائه فرمایید.

دکتر مهرداد اکبریان (مدیر کل محترم دفتر حفاظت و حمایت سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری)

ضمن عرض سلام و روزبه‌خیر، به اطلاع حاضران می‌رسانم، همین امروز جلسه دیگری با موضوع معادن در وزارت صمت داشتیم. حدود هفت تا هشت ماه است که مباحث ما بیشتر حول حوزه معدن و وزارت صمت متمرکز شده است. بنده حدود ده سال پیش به صورت غیررسمی در این جمع حضور داشتم و طی هفت، هشت ماه اخیر، همکاری مستقیم‌تری با این دوستان داشتم. پیشاپیش از صحبت‌های پراکنده‌ام، عذرخواهی می‌کنم.

در ابتدا از مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور بابت برگزاری این جلسه تشکر می‌کنم. به اعتقاد من این جلسات باید تداوم داشته باشند و اگر به صورت موضوع محور برگزار شوند، بی‌شک اثربخش‌تر خواهند بود. به عنوان مثال، اگر امروز تأکید بر فراوری است، باید این بحث به جمع‌بندی و نتیجه عملی برسد، به طور قطع کلی‌گویی ما را به نتیجه مطلوب نخواهد رساند. جناب آقای دکتر علیزاده، وقتی در منابع طبیعی از بلوط، نمدار، گون یا تاغ صحبت می‌شود، طبیعی است که حساسیت و هیجان وجود داشته باشد. در مقابل، در صمت نیز وقتی سخن از پرمیت یا فیروزه نیشابور است، همان میزان دغدغه و هیجان وجود دارد. این تفاوت نگاه‌ها طبیعی است.

به قول یکی از مسئولان در قوه قضاییه، قانون‌گذاری باید در رویکردها (رویه‌ها) خود را نشان دهد، متأسفانه ما به این مسئله توجه نمی‌کنیم. آقای دکتر پورمقدم اشاره فرمودند، این قانون بیش از صد سال پیش پایه‌گذاری شده و از ابتدا ایراد داشته است و هنوز هم ایراد دارد و خود ایشان نیز این موضوع را می‌پذیرند.

مشکل ما تقابل منابع طبیعی و معدن نیست، مشکل در نوع نگاه ماست. وقتی از توسعه

پایدار صحبت می‌کنیم، هر دستگاه فقط بخشی از آن را می‌بیند. منابع طبیعی و محیط‌زیست فقط آن را از بعد حفاظتی می‌بینند، دوستان ما در صمت، اقتصاد را محور قرار می‌دهند و وزارت کشور بیشتر بر جنبه‌های اجتماعی تمرکز دارد و مردم و پیامدهای اجتماعی را می‌بیند.

تا زمانی که دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی، با همراهی شما و سایر صاحب‌نظران، به یک هم‌گرایی نرسند و این جلسات تداوم نداشته باشند، همچنان بین دو قطب حرکت خواهیم کرد و به نتیجه مشترک نخواهیم رسید. باید درد دل یکدیگر را بشنویم تا به نقطه تفاهم برسیم. در کمیسیون صمت، همان‌طور که امروز در جمع شما حضور داریم، ما و محیط‌زیست در عمل تنها بودیم. اصلاحات قانونی را بارها ارائه کرده‌ایم و قرار است در کمیسیون کشاورزی نیز مطرح شود، اما مقاومت جدی در برابر اصلاح وجود دارد. موضوع فقط ماده ۲۴ مکرر نیست، مسئله گسترده‌تر از آن است.

گفته شد بیش از هزار نظر از دستگاه‌ها دریافت شده است. بنده اعتراض کردم، اگر قرار نیست نظر ما مبنا باشد، چرا این نظرات اخذ شده است؟ پاسخ این بود که رویکرد اصلی، رویکرد اقتصادی و تولیدی است. حتی در کمیسیون گفته شد «تفکر شما اینجا جایگاهی ندارد.» و تفکر تولیدی بر تفکر زیست‌محیطی قالب است. اینها را باید اصلاح کنیم. گفتم خوب، مگر شما نمی‌گویید تفکر تان تولیدی است؟ پس چرا اصلاً از ما نظر خواستید؟ شما امروز بنویسید مگر غیر از این است که آقای دکتر علیزاده و آقای دکتر افلاطونی، کارمند دولت‌اند؟ مگر شما عامل حاکمیت این دولت نیستید؟ مسئول حفظ و نگهداری هستید؟ امروز اعلام کنید تفکر ما معدن به جای نفت است و لاغیر.

روش ما این نیست، اینجا مشخص می‌شود که چگونه باید رفتار کنیم ولی وقتی همه را در یک اولویت قرار می‌دهید، آن وقت این تعارضات پیش می‌آید. پس اولین موضوع، تعیین اولویت‌هاست. آیا اولویت ما در کشور،



آن فیروزه‌ای است که دکتر پورمقدم گفتند، که به نوعی دل من را نیز آب کرد، که چرا یمن، چرا نمین نه، این مهم است یا آن گونه گون که ما شک می‌کنیم که آیا از روز اول گون بوده است. موضوع بعدی اینکه، تا زمانی که یک پالایش درست برای قانون معدن در کنار قانون محیط‌زیست و منابع طبیعی انجام نشود، مسائل حل نخواهند شد. خواهش بنده از جناب عالی اینکه بعد از این موضوع، منت بر سر ما بگذارید یک جلسه دیگر با حضور تعدادی از نمایندگان محترم مرتبط برگزار کنیم و قوانین را بر اساس سیاست برد-برد اصلاح نماییم. باید همه را در کنار هم ببینیم، یعنی در اینجا شما روی آن پالایش انجام دهید. برای مثال، سؤال من از شما این است، شما الان می‌گویید فراوری و بحث‌های دیگر. تا زمانی که ابزار قانونی ماده ۲۴ مکرر در قانون معدن است، اصلاً این جلسه و صحبت، اضافه است. دکتر پورمقدم اطلاع دارند که بنده هفت ماه است در حال تلاش هستم که با دوستان با ادبیات کارشناسی

صحبت کنم. من معاون بخش خود را از بخش فنی آوردم که با دوستان فنی صحبت کنیم، نه به صورت حقوقی و غیره. نگوئید به دلیل مسائل فنی مخالفم، بگوئید مخالفم به این دلیل، چون روی فرسایش رسوب نیز کار می‌کند و به راحتی با یک ابزار قانونی و تو می‌شود، چه باید کرد.

اگر یک گوشه از معدن در منطقه ترسیب مکان برداشت باشد، حساسیت به خرج می‌دهند، روزی در کارگروه کارشناسی، درباره موضوع‌های مدیریتی تعامل می‌کردیم، البته یک تعامل یک‌جانبه! امروز اما، با درایت ایشان در حال کار کارشناسی هستیم، بعد از آن هم وارد یک تعامل واقعی می‌شویم، جالب اینجاست که دوستان هم با ما همراه هستند، اجازه بدهید کمی هم تعریف کنم، نظریه کارگروه کارشناسی ما مشخص و روی آن بحث شد، هفت ماه است که این کار در حال انجام است، پیش‌تر چنین چیزی وجود نداشت، البته در استان‌ها انجام می‌شد، هم‌اکنون اما در ستاد هم در حال

انجام است. دوستان وقتی نظریه کارشناسی را می‌بینند، دیگر صحبتی نمی‌کنند. چرا؟ چون می‌دانند کارشناسان فنی بر کار مسلط هستند، نه افراد حقوقی و نه آن‌هایی که فقط می‌خواهند به «نه» بگویند. جالب اینکه در گذشته ما را متهم به «نه» گفتن می‌کردند، در واقع وقتی من جواب منفی می‌دهم، ایشان باید به خاطر منافع کشور آن را به نحوی به سمت خود بکشند، خوشبختانه امروز تا حدودی متوجه این موضوع شده‌اند که منابع طبیعی فقط «نه» خالی نیست. پشت این «نه» گفتن‌ها، تفکر و منطق وجود دارد. ما گفته‌ایم، دست از سر جنگل‌های ما بردارید، ایشان نیز به این نتیجه رسیدند. هرچند مرتع مهم است ولی ماده معدنی هم مهم است البته که با رعایت ضوابط و با کمترین خسارت.

وقتی ماده ۲۴ مکرر به راحتی به استاندار این اجازه را می‌دهد که شما را به کارگروه دعوت نکند و یا در مواقعی نیز که دعوت شدیم، تنها حق یک رای داریم؛ فلذا به راحتی با واگذاری معدن حتی در عرصه‌های جنگلی، موافقت می‌شود. همین امروز این اتفاق رخ داد، استان مخالفت کرده، چون این بخش شامل ماده ۲۴ است، البته که بنده عرض کردم، ما مخالف هستیم، ما با ۲۳۵ هکتار موافقت کرده بودیم، در نهایت ۳۶۵ هکتار شد، در جایی پر از گونه‌های مرتعی با تراکم بالا. هیچ کاری هم نمی‌توانیم انجام دهیم، این است ماده ۲۴ مکرر با ظرفیت قانونی. خواهش بنده اینکه، غیر از موضوع فراوری که موضوع مهمی است، لطفاً با ذره‌بین دوستان هم به موضوع نگاه کنید، با هدف اصلاح زیربنای کار. تودرتوهای بسیاری در قانون وجود دارد که اصلاً حل‌شدنی نیست. باید چالش‌ها را درست کنیم.

موضوع مطرح‌شده، بحث فراوری است. وزارت صمت خود، برای خام‌فروشی تعزیرات و فیلترهایی دارد. آقای شکوری در اتاق بازرگانی اعلام کردند، مجبوریم بعضی از مواد معدنی را خام بفروشیم. از نظر شما لازم است درصدی از آن در اختیار شرکت‌های دانش‌بنیان قرار گیرد. مگر غیر از این است؟ حتی برای آن‌ها فیلترهای مالیاتی در نظر گرفته شده است که آن را به صورت خام نفروشدند، پرسش اینجاست مثلاً با قیر طبیعی چه می‌شود کرد؟. استاد ایشان (دکتر پورمقدم)





هستند، با قیر طبیعی خام در عمل کاری نمی‌توان کرد، باید به صورت خام فروخته شود، بنده در مقاطع مختلف زمانی در کارهای تولیدی هم فعالیت داشتم، که غیر از کارهایم در اینجاست، تا زمانی که وارد تولید نشویم و چم‌وخم و مشکلات آن را نبینیم، نمی‌توانیم به راحتی درباره آن صحبت کنیم. متأسفانه حقیقت اینکه برای فراوری بعضی از مواد معدنی در ایران فناوری نداریم، پس چاره‌ای جز فروش آن‌ها به صورت خام وجود ندارد، حتی اگر آن ماده معدنی استراتژیک باشد. شاید دنیا می‌تواند این کار را انجام دهد، چین نه هر کشور دیگری.

آقای دکتر علی‌علیزاده علی‌آبادی:
وقتی فناوری آن نیست، باید ایجاد شود.



آقای دکتر مهرداد اکبریان:

باید بررسی شود، آیا ایجاد آن صرفه اقتصادی دارد؟ یا وارد کردن آن فناوری منطقی‌تر است؟ آقای دکتر پورمقدم گفتند طبق ماده ۹۰، فراوری در محل معدن مجاز نیست، از نظر امور اراضی باید کاربری تغییر کند، محیط‌زیست هم ارزیابی می‌خواهد. در واقع، عرض بنده اینکه بیایید از دیدگاه یک تولیدکننده به موضوع نگاه کنیم. فراوری خیلی خوب است و خیلی می‌تواند اثرگذار باشد، به‌ویژه در حجم و ارزشی که

شما فرمودید، کاهش حجم و افزایش ارزش، اما آیا واقعاً این کار با شرایط کنونی در کشور ما، شدنی است؟ به عبارت بهتر، گاهی ما در منابع طبیعی حرفی می‌زنیم که بسیار خوب و ایده‌آل است. سرتاسر دنیا هم در حال اجرای آن هستند، ولی وقتی وارد مراحل عملیاتی آن می‌شویم، به روشنی مشخص می‌شود که شدنی نیست. وقتی شدنی نیست، دوستان صمت راهکار خودشان را در نظر می‌گیرند. خواهش بنده اینکه، مسائل را کمی واقعی‌تر ببینیم، البته که در مؤسسه تحقیقات این مسائل به صورت واقعی دیده می‌شود. هم‌اکنون که جناب‌عالی و دوستانتان به این موضوع ورود کرده‌اید، لطفاً ادامه دهید، موضوعات را یک‌به‌یک بررسی کنید، امروز فراوری کانون بحث بود، فردا اصلاح قانون را پیگیری کنید. با ارتباطی که با دوستان دارم و شناختی که از جناب‌عالی و مسائل به دست آوردم، امیدوارم که نتیجه‌های مطلوبی حاصل شود. امروز از خانم دکتر رفیعی (نماینده مجلس) تشکر می‌کنم که به اصلاح قانون معادن ورود پیدا کردند، دیدگاه کمیسیون کشاورزی چه ایرادی دارد؟ مؤسسه تحقیقات نیز به این بخش وارد شود. ما تمام‌قد کنار شما هستیم، بیایید چم‌وخم آن را در بیاوریم. ماده ۲۶ که آقای دکتر پورمقدم فرمودند، یک پاشنه آشیل است. بحث بلوکه‌هایی که در معادن به جای می‌مانند نه در اختیار ماست، نه در اختیار دوستان. اینها همه جای بحث دارند.

پرسش بنده از شما اینکه، چرا محیط‌زیست کمترین مشکل را با معادن دارد؟ آقای دکتر پورمقدم شما بفرمایید. چرا محیط‌زیست با شما کمترین مشکل را دارد؟ چرا؟ چون نقشه ممنوعیت‌ها را به شما داده است و تمام. آیا منابع طبیعی یک بلک‌لیست دارد؟ اگر چه منابع طبیعی داینامیک و پویاست و یک سری چیزها مدام در حال تغییر است، اما آیا یک بلک‌لیست ثابت داریم؟ همان را هم نتوانستیم در اختیار دوستان بگذاریم برای زمانی که در آن محدوده‌ها هستند، ما می‌گوییم جنگل، دوستان می‌گویند نقشه بدهید، آیا به آن‌ها نقشه داده‌ایم؟ شما به عنوان مؤسسه تحقیقات به ما کمک کنید. خواهش بنده اینکه، نیازهای خود را در خصوص معادن به معاونت حفاظت، بنده یا هر کسی که صلاح می‌دانید، اعلام کنید.

ما نیز، یک جلسه نخبگانی برگزار می‌کنیم و علاوه بر آقای دکتر پورمقدم، آقای دکتر حمیدی، دکتر کشاورزیور و دکتر جندقی را دعوت می‌کنیم، بنده هم درخواست‌های خود را (حدود بیست مورد) اعلام و از شما خواهش می‌کنم به آن‌ها ورود کنید، لطفاً بیایید در این موارد بحث کنیم. بنده هشت ماه، تمام زندگی خود را روی این موضوع گذاشتم، ایشان در جریان است. تا زمانی که این استخوان لای زخم است، همه ضرر می‌کنند. منابع طبیعی ضرر می‌کند، وزارت صمت ضرر می‌کند، مردم هم ضرر می‌کنند. معدن از ما متنفر است. آقای دکتر پورمقدم، بنده میزان مراجعات معدنی را به شهادت معاونت دفتر کم کردم، یعنی طوری به ایشان پاسخ می‌دهیم که دیگر به دفتر مراجعه نمی‌کنند. چرا باید متقاضی به دفتر من مراجعه و برای دیدن بنده فقط برای پنج دقیقه التماس کند؟ چرا باید برای حل مشکلاتش از من خواهش کند؟ اصلاً خواهش معنی ندارد. مگر مردم این مملکت نیستند؟ مگر نمی‌خواهند ماده معدنی را استخراج کنند و درآمد داشته باشند؟ البته با حفظ محیط‌زیست.

آخرین کلام، معدنی در کردستان به هر دلیلی در گذشته، پروانه بهره‌برداری دارد. تمام دستگاه‌های نظارتی برای این معدن وارد شدند، پرسشی که برای همه آن‌ها مطرح بود اینکه مگر می‌شود معدن در دل جنگل باشد؟ این مورد مربوط به زمانی است که تفاهم‌نامه نداشتیم، یعنی دستور عملی نداشتیم. دو سال پیش در تعاملی، دوستان گفتند، می‌توان در اینجا یک زیرگذر احداث کرد و پلی‌متال برداشت نمود. تجربه زیرزمینی در کشور ما، به جز در مورد زغال‌سنگ، صفر است. کار به مرحله بررسی و مطالعه رسید، مدیریت عوض شد و بنده مسئولیت مربوطه را پذیرفتم، سپس با حضور ایشان در تعامل ستادی متوجه شدیم متولی معدن یادشده، سه دهه در همان محدوده یک هکتاری پیدا کرده است و می‌تواند به صورت زیرزمینی پلی‌متال برداشت کند. طرح مورد تأیید صمت قرار گرفت ولی متأسفانه طرف مقابل ارزیابی زیست‌محیطی را برای معدن روباز انجام داده است، نه معدن زیرزمینی، در واقع ارزیابی زیست‌محیطی برای معدن زیرزمینی نداریم. چهارده آیتم از پانزده

آیتم منفی است، در حالی که خود ما مجوز تهیه طرح را دادیم. ایشان هم وطن ما و برادر ماست، با هزینه زیاد، سه دهنه پیدا کرده، وزارت صمت آن را تأیید نموده، ارزیابی انجام شده و چهارده آیتم از ارزیابی زیست محیطی آن منفی است. هنگام مراجعه به اداره کل منابع طبیعی، به اشتباه نوشته شده است، بررسی به تأیید منابع طبیعی نرسید و مورد تأیید منابع طبیعی نیست، چون چهارده آیتم از پانزده آیتم منفی است. در تعامل ستادی توضیح داد، ما تعجب کردیم، صمت طرح را تأیید کرده است، ولی ما گفتیم این طرح نمی‌تواند انجام شود. تمام دستگاه‌های نظارتی استان و از جمله اداره کل خود ما بسیج شدند تا از انجام آن جلوگیری کنند، چون در دل جنگل است، درست می‌گویند، در دل جنگل بلوط و به بیانی فاجعه است. ولی سؤال بنده از شما اینکه آیا تاکنون تجربه برداشت پلی‌متال زیرزمینی را از دل جنگل بلوط داشته‌ایم؟ یک بار امتحان کنیم، سپس بگوییم آقای فلانی نمی‌شود، اشتباه بود، همه درختان خشک شدند، یا فقط یک دهنه را برداشت کنیم. ما را مجبور کردند رأی را بشکنیم و آن را به شورای عالی بفرستیم. در شورای عالی طرف مقابل به‌عنوان کسی که پروانه بهره‌برداری دارد، رأی را می‌گیرد، حتی اگر نتواند در شورای عالی رأی بگیرد، در نهایت با شکایت به هدفش می‌رسد و کلان جنگل را تخریب می‌کند. در واقع ما داشتیم زهر قضیه را می‌گرفتیم ولی به دلیل شرایط موجود، مشکل ساز بود. با احترام به شما، با یک کلمه فراوری، مشکل معدن حل نخواهد شد، موضوع بسیار پیچیده‌تر از این حرف‌هاست. گاهی ما منابع طبیعی‌ها هستیم که حساسیت‌های سایر دستگاه‌ها را ایجاد می‌کنیم، آنقدر این کودک را در بغل می‌فشاریم تا خفه شود. در پایان عرایض امیدوارم با تحقیقات و اصلاح قانون، مشکلات میان این دو دستگاه به‌زودی برطرف شود.

طبیعت ایران: جناب آقای دکتر بناگر، منتظر شنیدن نظرات ارزشمند جناب عالی به‌عنوان دبیر اتحادیه انجمن‌های علمی منابع طبیعی و محیط‌زیست، درخصوص موضوع این نشست هستیم.



دکتر علی بناگر (کارشناس سازمان حفاظت محیط‌زیست و دبیر اتحادیه انجمن‌های علمی منابع طبیعی و محیط‌زیست ایران) ضمن عرض سلام و خداقوت خدمت همه دوستان، می‌خواهم درخصوص معادن زغال‌سنگ در جنگل صحبت کنم. آیا تاکنون از معادن زغال‌سنگ داخل جنگل بازدید کرده‌اید؟ آیا با این معادن آشنا هستید؟ در چند سال اخیر، از بیش از ۱۰۰ معدن زغال‌سنگ در جنگل بازدید کرده‌ام. معدن زغال‌سنگ در جنگل، فاجعه هستند. پیشنهاد می‌کنم حتماً بازدید از این معادن را در دستور کار قرار دهید، حتی می‌توانیم بازدید مشترک داشته باشیم. معادن زغال‌سنگ در جنگل، به‌هیچ‌عنوان توجیه اقتصادی ندارند. موارد زیادی از چالش‌های این

نوع معادن قابل‌بحث است که متأسفانه در محاسبات سازمان‌های متولی کمتر مورد توجه است، بحث نخاله‌ها، خشکیدگی درختان، قطع اشجار، آلودگی‌ها، مسائل اجتماعی، رانش دیواره‌ها، تخریب زیستگاه، نابودی حیات وحش، مسیرهای دسترسی و به‌خصوص تغییر کاربری در دل جنگل‌های انبوه و غیره. معمولاً این معادن برای ده هکتار مجوز دارند ولی اثرهای مخرب آن‌ها تقریباً تا پانصد هکتار را تحت تأثیر قرار می‌دهد. شکل ۱، مواد اولیه زغال‌سنگ در دو سمت پایه‌های درختان است. یعنی همان‌جا درخت را قطع می‌کنند و همان‌جا به داخل معادن می‌برند. هیچ کنترل و نظارت مؤثری هم وجود ندارد، نه از سوی معدن، نه منابع طبیعی و نه محیط‌زیست. معدن‌داران حتی ساده‌ترین موارد را هم در حفظ محیط‌زیست رعایت نمی‌کنند، در مقطعی پیشنهاد کردیم، نهال رایگانی روی همان نخاله‌ها، در اختیارشان قرار دهیم تا آن را غرس کنند، حتی این کارهای ساده را هم انجام نمی‌دهند. ماشین‌آلات سنگین‌شان تمام مسیرهای دسترسی را در جنگل تخریب می‌کنند و برای خروج زغال‌سنگ برای خودشان در جنگل راه جاده‌ای درست می‌کنند، جاده‌های روستایی هم نمی‌توانند بار ترافیکی کامیون‌های ۳۰ تنی را تحمل کنند و بیشترشان تخریب شدند، چه برسد به راه‌های درجه دو و سه جنگلی. در بحث نظارت، سازمان‌های نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی می‌توانند کمک



شکل ۱- درختان جنگلی تا یقه محاط در نخاله‌های معادن زغال‌سنگ در قلب جنگل‌های هیرکانی



ب

الف

شکل ۲- قطع و استفاده غیرمجاز درختان جنگلی جوان و تیری در معادن زغال‌سنگی که در عمق جنگل‌های شمال مستقر هستند.

منابع طبیعی، مجبور به خرید صنوبر شده‌اند. نگهبانان از ورود ماشین‌های حامل صنوبر به داخل جنگل تعجب کرده بودند، معدن‌داران هم که پیش‌تر از درختان رایگان جنگل استفاده می‌کردند متوجه شدند، باید برای دیواره داخل تونل‌ها صنوبر خریداری کنند، باین‌حال هنوز هم در زمان بازدید، درختان تیری قطع شده را در اعماق تونل‌ها مخفی می‌کنند. متأسفانه از درختان جوان مثل راش و افرا استفاده می‌کنند و تمام انجیلی‌های اطراف معادن را قطع کردند. برای حیات وحش ناامنی ایجاد می‌کنند و همین‌طور باعث کاهش شدید کمیت و کیفیت پوشش گیاهی می‌شوند. با یک جست‌وجوی ساده در گوگل لکه‌هایی همچون زمین فوتبال را در وسط جنگل مشاهده می‌کنید. بحث معدن زغال‌سنگ در جنگل، بحث بسیار مهمی است، امیدوارم به‌طور جدی در دستور کار قرار گیرد. ما هم در حدتوان برای انتقال تجربیات و راهکارهای کنترل و نظارت اعلام آمادگی می‌کنیم، البته اگر وزارت صمت اجازه حفظ جنگل‌ها را به ما بدهد.

آقای دکتر مهرداد اکبریان:

مواردی که به آن‌ها اشاره شد، کاملاً درست است و هیچ‌کس نمی‌تواند آن‌ها را کتمان کند. اینها مشکلات اجرایی هستند. درواقع ما برای حل مشکلات اجرایی ورود نکرده‌ایم. درمورد معدن پلی‌متال کردستان که اشاره کردم، ضروری و روشن است که باطله‌ها باید خارج از محدوده معدنی باشند و تردها هم باید از جاده قدیمی موجود انجام شوند. بنده هم می‌دانم معدن تخریب دارد، این یک موضوع

این حفاری‌ها، اگر خیلی عمیق نباشند، ریشه درختان و اگر هم عمیق باشند، جریان‌ات آبی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این‌طور نیست که بگوییم تأثیرات زیست‌محیطی ندارند، برعکس، تأثیرات بسیار بدی هم دارند. در نتیجه، شاید علت مخالفت همین چیزها بوده است، اینها قابل‌بحث هستند.

آقای دکتر علی بناگر:

ما فقط درمورد مسائل ظاهری صحبت می‌کنیم. مسائل اکوسیستم و سایر مسائل که به چشم نمی‌آیند هم، مورد بحث هستند. درخصوص مسیرهای دسترسی، سال‌هاست که در جنگل مسیرهای جدید احداث نمی‌شوند، درواقع همان مسیرهای قبلی هستند که مرمت و نگهداری نمی‌شوند. کامیون‌ها با توجه به توجیه اقتصادی، حداقل ۳۰ تن بار حمل می‌کنند. این تردها و حمل محصولات معدنی، همین جاده‌های نیم‌بند را هم نابود کرده است. علاوه بر آن اهالی روستاهای اطراف معادن نیز، از تخریب جاده‌های اصلی شاکی هستند. حال تصور کنید این کامیون‌ها با جاده‌های جنگلی و مسیرهای دسترسی موجود یا ناموجود، چه‌ها می‌کنند. با بارش باران اوضاع بدتر هم خواهد شد، بحث رانش دیواره‌ها و نخاله‌ها بماند. معمولاً برای مواد اولیه و چوب‌های مورد استفاده از درختان جوان و با قطر ۵ سانتی‌متر برداشت می‌کنند و برای چوب‌های تونلی از درختان قطورتر استفاده می‌شود، مثلاً از درختان افرا و توسکا برداشت می‌کنند، در محل قطع می‌کنند و از همانجا به داخل تونل‌های زیرزمینی می‌برند، به‌تازگی و با فشار

کنند، آن‌ها در مرغداری‌ها و گلخانه‌ها ناظر فنی دارند. یک نفر که پروانه اشتغال دارد و هر واحد دامی یا زراعی یک ناظر فنی متخصص کشاورزی دارد تا هرگونه تمدید پروانه اشتغال آن واحدها با رعایت الزامات فنی انجام می‌شود. این نمونه را می‌توان در معادن هم پیاده کرد. انجام این کار، هم اشتغال‌زایی زیادی برای فارغ‌التحصیلان منابع طبیعی و محیط‌زیست دارد، هم بار مالی برای دولت ندارد، هم نظارت انجام می‌شود، سازمان نظام مهندسی، منابع طبیعی و محیط‌زیست اگر مستقل شود، می‌تواند این الگو را پیاده کند و کمک‌کار سازمان حفاظت محیط‌زیست و منابع طبیعی باشد، چون این دستگاه‌ها امکانات و نیروی کافی را برای کنترل مدنظر در اختیار ندارند و نتیجه این می‌شود که می‌بینیم.

آقای دکتر علی علیزاده علی‌آبادی:

فرمایش شما با چیزی که آقای دکتر اکبریان گفتند، کمی مغایر است.

آقای دکتر علی بناگر:

آقای دکتر اکبریان، درخصوص پلی‌متال گفتند.

آقای دکتر علی علیزاده علی‌آبادی

متوجه هستیم، در اصل موضوع تفاوتی ندارد. این‌طور نیست که حفاری‌های انجام‌شده در زیر اراضی جنگلی به‌صورت تونل، هیچ عارضه‌ای در سطح جنگل‌ها و شادابی، سلامت و حیات درختان موجود در این عرصه‌ها نداشته باشد. علاوه بر اثرهای سوء باطله‌ها و نخاله‌هایی که در اطراف و سطح جنگل‌ها ریخته می‌شود،



دکتر خسرو ثاقب‌طالبی (معاون پژوهش، فناوری و انتقال یافته‌های مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور)

ضمن عرض سلام و خیر مقدم خدمت حضاران در جلسه، بنده نیز از فرمایشات آقای دکتر پورمقدم استفاده کردم و از اطلاعات شما لذت بردم. همان‌طور که شما به سابقه تحصیلات خود اشاره کردید، بنده هم علاقه زیادی به زمین‌شناسی و معدن داشتم و اگر منابع طبیعی نمی‌خواندم و وارد این رشته تحصیلی نمی‌شدم، بی‌شک زمین‌شناسی و معدن را انتخاب می‌کردم. ولی امروز صادقانه اعتراف می‌کنم که از تحصیل در منابع طبیعی خوشحال‌ترم. از نظر من تفاوت اصلی در نوع دیدگاه است. نکات بسیار مشترکی بین منابع طبیعی و معدن وجود دارد، که مهم‌ترین آن بهره‌برداری از منابع است، هرچند هر دو می‌خواهیم از منابع استفاده کنیم، آن‌ها یک تفاوت عمده و بزرگ با هم دارند، منابع طبیعی جزو منابع تجدیدشونده و پایدار هستند، درحالی‌که معدن، غیرقابل تجدید و ناپایدارند، درواقع تجدیدنپذیرند و بالاخره به پایان می‌رسند، ولی ما از عرصه استفاده نمی‌کنیم و از اعیان استفاده می‌کنیم. اعیانی که قابل تجدید است و اگر درست

منصفانه تأکید کردم، هدفم ارائه نکات و انتقادهای منصفانه بود، اصلاً با تعصبات غیرمنطقی صحبت نکنیم. بنده، چندین برابر شما، اینها را از نزدیک در معادن زغال‌سنگ دیده‌ام و نیازی به تذکر نیست. خواهش بنده اینکه از دوستانتان در منابع طبیعی بخواهید از منطقه حفاظت‌شده توران بازدید کنند و ببینند که حیات‌وحش چگونه در حال نابودی است، این نابودی بی‌شک به‌خاطر ضعف شما در نظارت است. از دوستانتان بخواهید بهرام‌گور را مرمت کنند، گله‌گور آسیایی در حال نابودی است. چه کسی به شما کمک می‌کند؟ بخش معدن کشور و سازمان توسعه ایمیترو. به دوستانتان اطلاع دهید، حیات‌وحش البرز مرکزی نابود شده است، در کمال ناباوری دیگر چیزی به نام حیات‌وحش در البرز مرکزی وجود ندارد. پاسخگوی خشک‌سالی، بحران آب، خشکی رودخانه‌ها، دریاها، چشمه‌ها و کاهش آب‌های زیرزمینی کیست؟ شما پاسخگویید. شما و مدیران بالادست شما، شما همه اینها را به حاشیه برده‌اید و بخش معدن را موردتوجه قرار داده‌اید. معدن را تعطیل کنید و کارگران در حال کار را از کار، بیکار کنید تا آن‌ها هم به خارج از کشور مهاجرت کنند. خواهش من این است که جزیره‌ای و تعصبی به این قضیه نگاه نکنید.

آقای دکتر علی بناگر:

کارگران که همه تبعه افغان هستند، ایرانی نیستند.

آقای دکتر مجید پورمقدم:

البته که ما همه تلاشمان را کردیم و نتوانستیم کارگران ایرانی را جذب کنیم. سختگیری‌های جناب‌عالی باعث تعطیلی معادن شده است. اگر در جلسات کارگروه تعاملی با محیط‌زیست شرکت نمایم، می‌بینید که دکتر ظهراپی چگونه از بخش معدن دفاع می‌کند. خواهش بنده اینکه ضمن مطالعه پیرامون موضوع در جلسات شرکت کنید تا زحمت همکاران از بین نرود. ممنون از شما.

طبیعت ایران: جناب آقای دکتر ثاقب‌طالبی، خواهش می‌کنم، نظرات ارزشمند خود را درخصوص موضوع این نشست نخبگانی بیان کنید

کاملاً بدیهی است. بروز مشکلات آب و سایر موارد هم دقیقاً درست است. بنده معتقدم باید با کمترین خسارت به همدیگر نزدیک شویم تا کسی متضرر نشود. باید بدانیم دنیا در این موارد چه کاری انجام می‌دهد که ما بی‌اطلاع هستیم. باید از تجربیات جهانی بهره برد.

آقای دکتر علی علیزاده علی‌آبادی:

دنیا سعی می‌کند معادن خود را حفظ کند، در عوض از علوم دانش‌بنیان، نیروی انسانی و فناوری‌های نو، درآمدسازی می‌کند و به‌هیچ‌عنوان سهم آیندگان را برای حل مشکلات روزمره خود نمی‌فروشد.

آقای دکتر مهرداد اکبریان:

بحث ما، بحث فراوری نیست، بحث معدن است. ماشین از محدوده معدن خارج می‌شود، متأسفانه تا پنج کیلومتر آن‌طرف‌تر، هنوز از آن سنگ پرتاب می‌شود. درحالی‌که در دنیا، ماشین‌ها شسته می‌شوند و درحالی‌که با سلفون پوشیده شده‌اند، از معدن خارج می‌شود. پس مواردی از این دست، قابل‌حل هست اما، متأسفانه اجرا نمی‌شوند.



آقای دکتر مجید پورمقدم:

بنده در ابتدای صحبت‌هایم بر صحبت‌های



بهره‌برداری شود، پایداری دارد. در بسیاری از مواقع این اتفاق افتاده است که از اعیان به شیوه نادرستی استفاده شده و پایداری آن را از بین رفته است. اگر واقعاً از منابع چوبی یا مرتعی به‌درستی بهره‌برداری شود، پایدار خواهند ماند ولی در معادن، از عرصه استفاده نمی‌کنیم.

وقتی عرصه از بین برود، اعیان دیگر معنایی نخواهد داشت. این تفاوت‌هاست که باعث می‌شود گاهی با تعصب به قضیه نگاه کنیم و گاهی غیرتعصبی و واقع‌بینانه یا غیرواقع‌بینانه این موضوع مطرح شود و در نهایت، در مقابل هم قرار بگیریم، از نظر بنده هم طبق فرمایشات آقای دکتر اکبریان، باید با تعامل به هم نزدیک شویم تا به هم برسیم. در دنیای امروز که در کنار هم نشستیم هیچ چیز غیر معدنی وجود ندارد که ما از آن استفاده نکنیم. همین فنجان روی میز، تولید معدن است، بخشی از این فلاسک آب، تولید معدن است، ساعت مچی ما از معدن است. همه از معدن هستند و ما بدون معادن نمی‌توانیم زندگی کنیم. همه به تکنولوژی وابسته هستیم، تکنولوژی همه از کابل و سیم مسی است. مگر می‌توان بدون آن‌ها زندگی کرد؟ البته که همه ما به اینها نیاز داریم، ولی باید به شکلی تأمین شوند که کمترین میزان تخریب به محیط‌زیست وارد شود و بیشترین میزان پایداری و بهره‌برداری را داشته باشیم. این دیدگاه‌ها را باید به هم نزدیک کنیم. همان‌طور که آقای دکتر علیزاده فرمودند، باید دانش استفاده را به‌صورت دایمی افزایش دهیم و تا جایی که ممکن است فروش خام را به حداقل برسانیم.

مگر اتریش، سوئیس و آلمان معدن ندارند؟ بی‌شک دارند، وسط جنگل هم دارند، اما طوری از این معادن استفاده می‌کنند که تا کیلومترها آثار زخم آن‌ها را نمی‌بینید. در قسمت اروپای غربی به‌هیچ‌عنوان آثار زخمی از معادن دیده نمی‌شود. از آن طرف یک‌سری مواد را از ما می‌گیرند و خود، آن‌ها را فراوری می‌کنند. ما نیز باید این قسمت را کمی تقویت کنیم.



آقای مهندس ترحم بهزاد:

بنده با نظرات آقایان دکتر ثاقب‌طالبی و دکتر علیزاده موافق هستم. ریل‌گذاری تهران-گلستان را با رودبار-آستارا مقایسه کنید. با این همه تکنولوژی، باز طبیعت را از بین برده است ولی هنوز بعد از چندین سال، آثاری از تخریب در دامنه مشاهده نمی‌شود. ما به دنبال این هستیم. نمی‌گوییم که معدن‌کاوی انجام نشود، می‌گوییم کاری که در ریل‌گذاری بین تهران و گلستان انجام شده است، را مقایسه کنید. با این همه تکنولوژی که وجود دارد، شرایط اینگونه است. آن را چند سال قبل احداث کرده‌اند، این مهم را نه‌چندان دور زده‌اند، میزان تخریب را ببینید.

آقای دکتر مهرداد اکبریان:

در احداث جاده ارمنستان و ترکمنستان، تمام مسیر احداث‌شده به مرز ایران که رسید، با یک نامه رئیس‌جمهور، یک متر هم نتوانستیم حرکت کنیم. این موارد همین تعارضات است.

آقای دکتر علی علیزاده علی‌آبادی:

صحبت‌های آقای دکتر ثاقب‌طالبی و آقای دکتر اکبریان، حاکی از یک واقعیت است، هر چقدر ما تعامل خود را بیشتر کنیم، نظراتمان به هم نزدیک‌تر خواهد شد. اینکه امروز آقای دکتر اکبریان به‌عنوان مدیرکل دفتر حفاظت و حمایت سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری در

این جلسه از حقوق یک معدن‌کار دفاع می‌کند، نتیجه تعاملی است که مدت‌ها با همکاران وزارت صمت برقرار کرده است، ایشان در حال شکل‌دادن یک تعامل است تا یک جانبه به قضیه نگاه نکنند، این نکته اهمیت برگزاری جلسات بیشتر را نشان می‌دهد، همین‌طور که همکار ما امروز تا اندازه‌ای واقعیات وزارت صمت را به رسمیت می‌شناسد، با تعامل بیشتر به‌مرور، وزارت صمت هم توقعات زیست‌محیطی ما را به رسمیت خواهد شناخت و این قضایا به یک تعادل خواهند رسید.

طبیعت ایران: جناب آقای دکتر خداقلی، لطفاً نظرات خود درخصوص موضوع جلسه بیان کنید.



دکتر مرتضی خداقلی (رئیس محترم بخش تحقیقات مرتع، مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور)

ضمن عرض سلام و تشکر از برگزاری این نشست، بنده هم از بیانات ارزشمند جناب آقای دکتر پورمقدم بسیار استفاده کردم. البته در تکمیل فرمایشات ایشان، لازم است به این نکته اشاره کنم که ریشه‌های بهره‌برداری از مراتع و حقوق سنتی مرتبط با آن در ایران، دست‌کم به دوران صفویه بازمی‌گردد، بنابراین ما با میراثی کهن روبه‌رو هستیم که مدیریت امروز باید تداوم‌بخش دانش بومی آن باشد. اساتید

محترم، جناب دکتر ثاقب طالبی و دکتر اکبریان، به بخشی از دغدغه‌های بنده اشاره کردند، اما مایلیم بر اصل ۴۵ قانون اساسی تأکید کنم. طبق این اصل، انفال و ثروت‌های عمومی نظیر معادن و مراعات در یک ردیف قرار گرفته‌اند و مدیریت آن‌ها بر عهده حکومت است تا به شکلی دقیق بر پایه «مصالح عمومی» عمل کند. مصلحت عمومی نیز حکم می‌کند که نباید برای دستیابی به منافع مقطعی و کوتاه‌مدت، سرمایه‌های ارزشمند و درازمدت کشور را قربانی کرد. در واقع، قواعد بهره‌برداری پایدار و مدیریت منابع طبیعی ایجاد می‌کنند، درآمد حاصل از منابع طبیعی تجدیدناپذیر در مسیر تقویت و پایداری منابع طبیعی تجدیدشونده هزینه شوند تا حق نسل‌های آینده حفظ شود، رویکردی که متأسفانه در اقدامات فعلی ما کمتر دیده می‌شود. براساس مطالعات انجام‌شده، میزان اشتغال در بخش معدن در کل کشور حدود ۱۳۰ هزار نفر است، در حالی که در مراعات، بیش از یک میلیون خانوار با جمعیتی بالغ بر پنج میلیون بهره‌بردار، به‌طور مستقیم از این عرصه‌ها ارتزاق می‌کنند. آیا منطقی است بستر حیات و ستون فقرات امنیت غذایی یک کشور که ضامن پایداری اکوسیستم‌های گوناگون است، به بهای استخراج معدن تضعیف یا نابود شود؟ بی‌تردید بهره‌برداری از معادن یک ضرورت اقتصادی است، اما این فعالیت باید در سطح و اندازه مشخصی انجام شود که به سرمایه اصلی و بستر شکل‌گیری آن، یعنی طبیعت، آسیب ساختاری وارد نکند. برای نمونه، به منطقه محلات اشاره شد. در گذشته، محدوده جاده محلات به خمین (سیاه‌دره) از پوشش گیاهی بکر، متنوع و پرتراکم و نیز حیات‌وحشی غنی برخوردار بود، اما امروز شاهد تخریب گسترده و برهم‌خوردن تعادل کل اکوسیستم آن منطقه هستیم. وقوع انفجار در کوهستان و ایجاد ترانشه‌های عمیق، نه تنها فون و فلور منطقه را نابود می‌کند، بلکه شریان‌های آب زیرزمینی را نیز به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. طبق پژوهش‌های انجام‌شده، ارزش مجموع منابع غیرتجدیدپذیر کشور، حتی به ۱۰ درصد ارزش اکولوژیک منابع طبیعی تجدیدشونده نیز نمی‌رسد. این مقایسه نشان می‌دهد، باید در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری نگاه بلندمدت

و مبتنی بر پایداری را در اولویت قرار داد. خوشبختانه امروز نگاه‌ها تغییر کرده است، اگر بیست سال پیش مرتع را تنها منبعی برای تولید علوفه می‌دیدیم، امروز همه پذیرفته‌ایم که مرتع یعنی امنیت آبی، جلوگیری از فرسایش و در یک کلام بنیان حیات و پایداری اکوسیستم. جا دارد به اصل پنجاهم قانون اساسی نیز اشاره کنم، اصلی که حفاظت از محیط‌زیست را که نسل امروز و نسل‌های آینده باید در آن حیات اجتماعی روبه‌رشد داشته باشند، وظیفه‌ای عمومی می‌داند و تأکید می‌کند هرگونه فعالیتی که به تخریب «غیرقابل جبران» بیانجامد، ممنوع است. تأکید بر غیرقابل جبران بودن، یک هشدار صرف نیست، بیانگر آن است که برخی خسارت‌های محیط‌زیستی، ماهیتی بازگشت‌ناپذیر دارند، به‌گونه‌ای که نه با صرف هزینه‌های مالی و نه با گذر زمان، امکان بازآفرینی کامل آن‌ها وجود ندارد. در چنین مواردی، تخریب تنها از دست رفتن یک منبع نیست، بلکه حذف بخشی از سرمایه طبیعی و زیستی کشور برای همیشه است. امروز مراعات ایران در میان دو چالش هم‌زمان گرفتار شده‌اند: از یک سو تغییرات اقلیمی و از سوی دیگر تغییر کاربری‌ها و بهره‌برداری‌های نادرست. پژوهش‌های اینجانب نشان می‌دهند، کشور ما افزایش دما را حدود سه برابر متوسط جهانی تجربه کرده است. این تنش گرمایی، در کنار مداخلات بی‌رویه انسانی، تاب‌آوری اکوسیستم‌های مرتعی را به حداقل رسانده و آن‌ها را در وضعیت شکننده‌ای قرار داده است. نباید با این پندار نادرست که هر مرتع تخریب‌شده‌ای قابل احیاست، مسیر تخریب را ادامه دهیم. واقعیت‌های میدانی نشان می‌دهند، به دلیل تغییر اقلیم و بهره‌برداری‌های غیرعلمی، در مناطق بالادست و سرشاخه‌های حوزه‌های آبخیز، اکوسیستم‌گون‌زارها با پدیده زوال گون به‌عنوان عنصر اصلی حفاظت از آب‌و‌خاک مواجه شده است. همچنین در اکوسیستم‌های درمنه‌زار، مرگ گروهی گونه‌های مقاومی چون درمنه دشتی در برخی مناطق مشاهده می‌شود. این تحولات نشانه زوال تدریجی اکوسیستم‌های طبیعی است. چنین عرصه‌هایی اگر نابود شوند، احیای آن‌ها نه تنها پرهزینه و زمان‌بر، بلکه در بسیاری موارد تقریباً غیرممکن خواهد بود، زیرا ساختار خاک، تنوع ژنتیکی، شبکه‌های زیستی

و کارکردهای اکولوژیک آن‌ها قابل بازسازی کامل نیست. از دست رفتن این سرمایه‌ها، مصداق بارز همان تخریب غیرقابل جبران است که قانون اساسی نسبت به آن هشدار داده است. در پایان از فرصتی که در اختیار بنده قرار دادید، صمیمانه سپاسگزارم.

طبیعت ایران: جناب آقای دکتر متینی‌زاده، لطفاً نظرات خود را در خصوص موضوع جلسه بیان نمایید.



دکتر محمد متینی‌زاده (مشاور محترم رئیس و رئیس حوزه ریاست، عضو هیئت‌علمی بخش تحقیقات جنگل مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراعات کشور) ضمن قدردانی از ارائه نظرات تک‌تک عزیزان، از نظر بنده، این جلسه به‌نوعی آغاز یک راه طولانی است، در این جلسه فقط از دو زاویه به بحث معدن پرداختیم. زوایای این موضوع بسیار زیاد است، فاصله آن چیزی که هم‌اکنون به‌عنوان معدن در سرتاسر ایران در جریان است با آن چیزی که آقای دکتر ثاقب طالبی فرمودند، در اروپا رخ می‌دهد، از زمین تا آسمان است. در واقع عمده منابع طبیعی ما حفاظتی است، بیشتر اکوسیستم‌های آن شکننده است، انتقال کارخانه‌های سیمان به بسیاری از بخش‌های هیرکانی که با این صفات ارزشگذاری



می‌شوند، بسیار تخریب‌کننده است. در جاده سیاهکل به سمت دیلمان که زمانی می‌توانستید خودروهای گردشگران را در منطقه ببینید، هم‌اینک به‌جز کامیون‌های حمل‌وسیمان چیزی مشاهده نمی‌شود. اتفاقاتی که در حال رخ‌دادن در معادن است و بهره‌برداری‌ها باید اصلاح شوند. از نظر ما هم مشکل قانونی داریم، هم نظارتی. همه اینها باید تغییر کنند و اصلاح شوند، تا زمانی که اینها اصلاح نشوند، دورنمایی که شما، آقای دکتر پورمقدم برای آن تصور می‌کنید، عوایدی جز خسارت‌های برگشت‌ناپذیر برای منابع طبیعی نخواهد داشت. تعامل خیلی خوبی در حال شکل‌گیری است، این فهمی که شما از منابع طبیعی دارید، این درک سبزی که از منابع طبیعی در شما وجود دارد، اینها جای تحسین دارد، جای خوشحالی دارد ولی هنوز فاصله زیادی وجود دارد. جمله آقای دکتر علیزاده در ابتدای جلسه درباره باغ گیاه‌شناسی، نشان می‌دهد که ما چقدر کم‌کار کرده‌ایم، چقدر در حوزه تحقیقات و منابع طبیعی کم‌کار شده است، چقدر در این فهم از منابع طبیعی و ارزش‌های آن کم‌کار بوده‌ایم. باغ گیاه‌شناسی فقط ۱۴۵ هکتار است با چیزی حدود ۸۰ هزار پایه گیاهی، چیزی حدود ۳ تا ۴ هزار گونه گیاهی که از طرف مرکز پژوهش‌های مجلس رقمی

در حدود ۵۴۳ میلیون دلار ارزشگذاری شده است، برای همین یک تکه که طبیعی هم نیست، یعنی مانند جنگل‌های هیرکانی محصول هزاران سال و میلیون‌ها سال نیست، یک اثر دست‌کاشت پنجاه یا شصت ساله است. البته که سایر ارزش‌های آن در این ارزشگذاری گنجانده نشده است، حفاظت از آب‌وخاک و بازدید و گردشگری، این حس شما را که از دیدن یک عقیق سرخ به وجد می‌آید، بازیدکنندگان باغ هم درک می‌کنند، وقتی یک انجیلی را می‌بینند، درختی که باید در جنگل‌های هیرکانی می‌دیدند، اینجا در باغ گیاه‌شناسی در تهران می‌بینند، اینها در ارزشگذاری قید نشده است. از نظر ما منابع طبیعی‌ها، ثروتی در منابع طبیعی وجود دارد، که به‌هیچ‌عنوان با سایر صنایع و تولیدات و حتی کشاورزی قابل‌مقایسه نیست. اصلاً نباید اینها را با هم مقایسه کرد. باید تمام تلاشمان را برای حفاظت از این منابع صرف کنیم، آنچه را هم که شما و دوستانتان در وزارتخانه پیگیری می‌کنید، باید به سمت برداشت سبز برود. بنده برگزاری این جلسه را به فال نیک می‌گیرم و امیدوارم ادامه‌دار باشد تا بتوان زوایای مختلف موضوع و آنچه را معادن بر سر منابع طبیعی می‌آورند، مورد بحث و بررسی قرار داد. سازمان زحمات زیادی کشیده و تحقیقات زیادی انجام شده است. از نظر بنده می‌توان به برنامه‌های بهتری دست یافت.

طبیعت ایران:

آقای دکتر احمد رحمانی (عضو هیئت‌علمی بازنشسته بخش تحقیقات جنگل مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور و دبیر تخصصی بخش گفت‌وگوی چالشی نشریه طبیعت ایران)

همان‌طور که مستحضرد جلسه امروز، یک نشست نخبگانی است. پیرو فرمایش آقای دکتر علیزاده، گفت‌وگوهای مطرح‌شده در این جلسه پس از پیاده‌سازی، در نشریه طبیعت ایران منتشر خواهند شد، همچنین، دستاوردهای آن را نیز به‌صورت یک بیانیه در اختیار علاقه‌مندان خواهیم گذاشت. ضمن اینکه، مطالب ارائه‌شده و پرسش‌های طرح‌شده نیز دوباره در دسترس شما قرار خواهد گرفت تا در صورت نیاز، بخش مربوط به خود را اصلاح و تکمیل کنید. مطالب این جلسه به‌عنوان اولین جلسه با موضوع منابع طبیعی و معادن به چاپ خواهد رسید و با توجه به نتایج و مباحث مطرح‌شده و با نظر آقای دکتر علیزاده برای جلسات آینده نیز برنامه‌ریزی خواهیم کرد. بنده از نظرات دوستان و حضار محترم استفاده کردم. فقط به یک نکته اشاره می‌کنم، طبق فرمایش جناب آقای دکتر پورمقدم، رهبر معظم انقلاب فرمودند که از فروش نفت باید به سمت بهره‌برداری از معادن برویم و از آن استفاده کنیم. معظم‌له روی



محیط‌زیست هم بسیار تأکید دارند، وقتی می‌توان از منابع طبیعی و معادن در کشور استفاده کرد که محیط‌زیست سالمی وجود داشته باشد. زمانی که بحران‌های عدیده ناشی از تخریب منابع طبیعی و محیط‌زیست وجود دارد، زمانی که گردوغبار روزهای طولانی راه تنفس مردم را قطع می‌کند، زمانی که سموم ناشی از استخراج بسیاری از معادن بدون لحاظ کردن الزامات زیست‌محیطی باعث بروز سرطان و سایر بیماری‌ها می‌شود و زمانی که آلودگی آب‌های سطحی و زیرزمینی به دلیل عدم رعایت مسائل زیست‌محیطی وجود دارد، باید مسائل مربوط را در کشور اولویت‌بندی نمود، از نظر بنده حفظ محیط‌زیست و منابع طبیعی در اولویت خواهد بود و استفاده درست و به‌جا از معادن با رعایت مسائل زیست‌محیطی در اولویت بعدی قرار خواهد گرفت. از طرفی هم، پتانسیل‌های زیادی برای کسب درآمد در کشور وجود دارد، باید این پتانسیل‌های بالقوه را بالفعل نمود و برای کشور درآمدزایی کرد. همان‌طور که از نظر آقای دکتر پورمقدم، کشور ما یک کشور معدنی است، یک کشور متنوع از نظر اقلیمی و اکولوژیکی هم هست. کشوری چهار فصل است که با پتانسیل‌های فراوانش حرف‌های زیادی در جذب توریست و کسب درآمد از طریق گردشگری دارد و می‌تواند این صنعت را در اولویت قرار دهد. معادن ما فقط برای این نسل نیست، سرمایه کشور است که باید به‌جا و در صورت ضرورت و به‌طور صحیح استفاده شود.

موضوع پژوهش و نقش مراکز پژوهشی در بهره‌برداری از معادن و نیز وظیفه پژوهش در این زمینه یکی از پرسش‌های طرح شده بود. از نظر من، موضوعات زیادی را می‌توان در مؤسسات پژوهشی و دانشگاه‌ها پیگیری کرد. یکی از بحث‌های پژوهش، تعیین ارزش واقعی منابع طبیعی است. محاسبه اینکه ارزش واقعی منابع طبیعی در جنگل‌ها، یا مراتع چقدر است، بر عهده بخش پژوهش است تا سایر دوستان از این اطلاعات بهره‌مند شوند. بحث دیگر، بحث چگونگی احیا و بازسازی معادنی است که استفاده و سپس رها می‌شوند. چه گونه‌هایی می‌توان در این شرایط کاشت، چگونه و با چه ویژگی‌هایی؟ بحث دیگر بحث آثار سوء مواد

سمی صنایع سنگین روی منابع طبیعی است که آقای مهندس بهزاد به آن اشاره کردند. چگونه می‌توان آثار این عناصر سمی را کاهش داد و به حداقل رسانید؟ بحث دیگر، بحث پایش اراضی واگذار شده است، پیش از بهره‌برداری، در حین بهره‌برداری و پس از بهره‌برداری، که باید مورد توجه قرار گیرد و مهم‌تر از همه، بحث گونه‌های در حال انقراض و ممنوعیت قطع است. همان‌طور که گون در حال انقراض است، گونه‌های دیگری هم این شرایط را دارند، بخش پژوهش می‌تواند لیست گونه‌های در حال انقراض را تهیه و به‌همراه نقشه در اختیار بخش اجرا بگذارد تا بتوان به‌درستی تصمیم گرفت و در برخی از مناطق بسیار حساس، اجازه معدن‌کاوی نداد. امیدواریم این موضوعات و موضوعات دیگری که می‌توان آن‌ها را به این سیاهه اضافه کرد، مورد توجه مراکز پژوهشی و دانشگاه‌ها قرار گیرند و مسیر استفاده درست از منابع هموار و شفاف شوند.

طبیعت ایران: جناب آقای دکتر کمالی، منتظر شنیدن نظرات ارزشمند جناب‌عالی پیرامون موضوع این نشست هستیم.



دکتر مهدی کمالی (معاون دفتر حفاظت و حمایت سازمان منابع طبیعی و آب‌خیزداری) ضمن عرض سلام و خداحوت، اصل مطالب

توسط دوستان ارائه شد. اینجانب به‌عنوان عضو کوچکی از جمع مطالبی را بیان می‌کنم. دو ماهی است که بنده در حوزه معاونت حفاظت و حمایت، مشغول کار هستم و دیدگاه حاضران در خصوص منابع طبیعی برای بنده بسیار بارز است. آنچه باید در اینجا مورد توجه قرار گیرد اینکه ما کارشناسان و مسئولان فنی و زبده‌ای در زمینه حفظ و حراست از عرصه‌های منابع طبیعی، همچنین قوانین خوبی در این خصوص داریم، ولی مشکل نحوه و نوع تفسیر از قوانین است. وقتی صحبت از معدن و معدن‌کاوی می‌شود، در اکثر موارد عرصه مورد نظر، بدون در نظر گرفتن موارد زیست‌محیطی باید واگذار شود. زیرا وقتی برای یک موضوع، چندین کارگروه و هسته تصمیم‌گیری وجود دارد، انتظار می‌رود آن موضوع به هر نحوی به نتیجه برسد، بخش معدن نیز از این مورد مستثنی نیست، به‌نحوی که اگر در ادارات استانی با در نظر گرفتن شرایط موجود مخالفتی باشد، موضوع در کارگروه‌های تعامل استان و در صورت عدم نتیجه‌گیری، در کارگروه تعامل ستادی در سطح کشور مطرح می‌شود و در آخر برای به سرانجام رساندن آن، با وجود همه مخالفت‌های صورت گرفته، به ماده ۲۴ مکرر قانون معادن رجوع می‌شود، این یعنی شاید نظرات فنی و کارشناسی کمترین اثر را داشته باشند. پس اهمیت به نظرات کارشناسی و فنی باید بیشتر مدنظر قرار گیرد. بنده منکر توسعه و استفاده از فرصت‌ها نیستم، در شرایط فعلی کشور استفاده از مواد معدنی بخشی از فرصت است ولی برای استفاده از این فرصت نباید سایر موضوعات از جمله امنیت زیستی فدا شود. وقتی در کشور، صحبتی از امنیت زیستی نمی‌شود و همه چیز تحت الشعاع امنیت غذایی و اقتصادی قرار می‌گیرد، شاهد آسیب جدی به عرصه‌های منابع طبیعی می‌شویم، بنابراین، اگر امنیت زیستی حداقل در سطح امنیت غذایی و اقتصادی مورد توجه قرار گیرد، شاید مشکلات ما کمتر شود. یکی دیگر از مشکلات موجود در معدن‌کاوی متقاضی محور بودن این موضوع است، متقاضی تصمیم‌گیر است، هر چند ۷۹ نوع ماده معدنی در کشور وجود دارد، لازم نیست از ۷۵ نوع آن بهره‌برداری کنیم. در دنیا و در کشورهای توسعه‌یافته، برای مثال به علت مشکلات موجود در بخش آب،



محصولات آب‌بر کمتر کشت می‌شوند و محصولات موردنیاز خود را از کشورهای دیگر وارد می‌کنند. بنابراین، شاید با وارد کردن برخی محصولات، هزینه‌های کمتری متحمل شویم و بخشی از مشکلات زیست‌محیطی که هم‌اکنون با آن مواجه هستیم، کم شود، یا حتی با انجام قطب‌بندی فرآورده‌های معدنی در سطح کشور بتوان از تخریب بخش اعظمی از عرصه‌های منابع طبیعی جلوگیری کرد. تصور می‌شود، استخراج مواد معدنی نسبت به سطح کشور خیلی کم است، نکته مهم اینکه تأثیر جانبی معدن‌کاوی از جمله تخریب عرصه‌ها به علت احداث جاده، تأثیر گردوغبارهای ایجادشده تا شعاع زیادی بر گونه‌های گیاهی، جانوری و حتی جوامع انسانی بسیار زیاد است و باعث مشکلات فراوانی می‌شود، پس توجه به این امر برای بهره‌برداری از عرصه‌ها بسیار ضروری است، اینکه چه چیزی به دست می‌آوریم و چه چیزی از دست می‌دهیم.

آقای دکتر علی‌علیزاده علی‌آبادی:

پس تأکید شما هم روی موارد حقوقی است.

آقای دکتر مهدی‌کمالی:

هدف از بیان این سخنان این نیست که معدن‌کاوی در سطح کشور تعطیل شود ولی بهره‌برداری‌ها باید اصولی و با رعایت تمام جوانب انجام شوند. یکی از مواردی که باید موردتوجه جدی قرار گیرد اینکه در صورت انجام فعالیت‌های معدنی، باید اعتبارات لازم برای احیا و بازسازی عرصه‌های معدنی اختصاص یابد، اگرچه این موضوع در قانون وجود دارد و بخشی از خسارت‌های وارده از صاحبان معدن اخذ می‌شود ولی اینکه این مبلغ به منابع طبیعی اختصاص می‌یابد یا نه، موضوع مهمی است. در پایان امیدوارم با استمرار برگزاری چنین جلساتی، موضوعات مرتبط با معدن و معدن‌کاوی بررسی شوند و با همکاری سایر بخش‌ها و دستگاه‌ها با سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور ضمن استفاده بهینه از پتانسیل‌های موجود در سطح سرزمینی کشور، بتوان در حفاظت از عرصه‌های منابع طبیعی به منظور بهبود وضعیت امنیت زیستی همراه با

امنیت غذایی و زیستی گام بلندی برداشت.

طبیعت ایران: جناب آقای دکتر عباسی لطفاً نظرات ارزشمند خود را پیرامون موضوع جلسه ارائه فرمایید.



دکتر حمیدرضا عباسی (عضو محترم هیئت علمی بخش تحقیقات بیابان، مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور)

موضوع بررسی تأثیرات توسعه معدن بر منابع طبیعی و محیط‌زیست اهمیت بسزایی در این زمان دارد، زیرا شدت بهره‌برداری از معدن افزایش یافته است. متأسفانه پیامدهای بی‌حساب و کتاب معدن باعث تخریب‌های گسترده در عرصه‌های منابع طبیعی شده است و دوستان بخش خصوصی و دولتی در این بخش به هیچ‌وجه پذیرای این تخریب نیستند، انگار نه‌انگار که خود در حال تخریب اکوسیستم‌ها هستند.

همان‌گونه که آقای دکتر پورمقدم به‌عنوان نماینده وزارت صمت فرمودند، قانون بهره‌برداری از معدن ۱۱۸ سال پیش تصویب شده است و از این جهت یکی از قوانین قدیمی در موضوع بهره‌برداری است. به‌تازگی هم قانون حفاظت و جلوگیری از تخریب خاک در سال ۱۳۹۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. قدمت

یک قانون باعث ارجحیت اجرا بر اجرای قانون جدید نمی‌شود. درواقع، اصل تعارض قوانین هیچ‌گاه موجب فسخ یا محدودشدن قانون جدید به دلیل قدمت قانون قدیمی نمی‌شود. یعنی نمی‌توانیم بگوییم، چون ۱۱۸ سال پیش قانون معدن تصویب شده است، پس قانون حفاظت از خاک که هرگونه تخریب و ایجاد آلودگی خاک را منع می‌کند، لازم‌الاجرا نیست. اتفاقاً قانون جدید، قانون قبلی را اصلاح می‌کند، پس قانون حفظ خاک باعث اصلاح قانون بهره‌برداری از معادن می‌شود. بنابراین، خلأ قانونی در حفظ خاک وجود ندارد و از این جهت، باید از معادن به شرط عدم تخریب خاک به‌طوری اصولی بهره‌برداری کرد. قانون خاک به اندازه کافی مسائل مربوط به معادن را پوشش می‌دهد. البته در قانون، به‌هیچ‌عنوان از فعالیت‌هایی که موجب تخریب خاک می‌شوند، مانند بهره‌برداری غیراصولی از معادن نامی برده نشده است. درواقع، از هیچ فعالیتی به‌طور مشخص نام نبرده است، بلکه پیامدها را بررسی کرده است. بنده معتقدم، از نظر قانونی، هیچ خلأ قانونی در این خصوص نداریم. دوستان می‌فرمایند، در تبصره ۲۴ مشکلاتی وجود دارد، درواقع ما به پیامدها توجه نمی‌کنیم.

اجازه بدهید چند مثال بزنم تا بحث افزایش تخریب توسعه معدن بر عرصه‌های منابع طبیعی بیشتر آشکار شود. همان‌طور که گفتم متولیان بخش معدن کشور این چالش را نادیده می‌انگارند و مانعی جهت توسعه این بخش می‌دانند. این در حالی است که اصول قانون حفاظت خاک نادیده گرفته شده است. تصور کنید تعداد روزهای گردوغباری در شهر اصفهان با همه پتانسیل گردشگری، در اثر توسعه معدن گچ در دشت سگری افزایش یافته است و اصل کیفیت هوای پاک در اثر یک توسعه نابخردانه در این بخش زیر سؤال رفته است. واقعاً ارزش دارد که به‌خاطر گچ، ماده ساختمانی که در بسیاری از نقاط کشور یافت می‌شود، کانون گردوغباری سگری فعال شود و درآمد حاصل از گردشگری در شهر اصفهان کاهش یابد. ارزش ریالی این گچ چقدر است که در اثر آن شهر اصفهان، تحت تأثیر پدیده گردوغبار قرار گیرد؟ توسعه معدن شن و ماسه در شهریار، در کنار پایتخت کشور،

موجب افزایش گردوغبار شده و ۱۲ میلیون نفر را به واسطه باد غربی در معرض گردوغبار این معادن قرار داده است. مهم‌ترین پیامد حفر معادن و استخراج آن‌ها در مناطق خشک و بیابانی تولید گردوغبار است، این درحالی است که بیشتر معادن مورد درخواست برای توسعه، در همین مناطق بیابانی مانند خراسان، یزد، اصفهان و فارس قرار دارند. جاده‌های منتهی به معادن به سبب خاکی بودن و تردد ماشین‌آلات سنگین که مواد معدنی را حمل می‌کنند، یکی از مهم‌ترین منابع تولیدکننده گردوغبارند که در مناطق روستایی به باغ‌ها و مزارع کشاورزی روستاییان آسیب جدی وارد کرده‌اند. توسعه معادن در کرکس کوه موجب خشک شدن چشمه‌ها، انحراف آب و هیدرولوژی طبیعی و تولید گردوغبار شدید شده است که بنیان زندگی را در روستاهای چند هزار ساله کاشان و نظنز برای همیشه تحت تأثیر قرار داده است. معمولاً بهره‌برداران به واسطه نفوذ زیاد حتی از طرح شکایت از سوی روستاییان هم ممانعت می‌کنند و حاضر نیستند جاده‌های خاکی را هر روز آب‌پاشی کنند. بنده فیلمی از روستای اوره در کاشان دارم که گردوغبار حاصل از توسعه یک معدن سنگ، باغ‌های روستاییان را از بین برده است. هیچ‌گونه ضوابط اجرایی برای حفظ محیط‌زیست حین و بعد از بهره‌برداری معادن در کشور وجود ندارد. یک معدن به من نشان دهید که عملیات احیایی بعد از بهره‌برداری در آن انجام شده باشد. معمولاً این معادن بعد از اتمام بهره‌برداری رها می‌شوند، درحالی‌که پیامدهای منفی آن سال‌ها باقی می‌ماند. در بردسکن نیز معادن مس و آهن وجود دارد. گردوغباری که به سمت روستاهای شمال بردسکن می‌رود، رنگ چهره کودکان را زرد کرده است. نتایج آزمایش خون آن‌ها نشان می‌دهد، ورود این گردوغبار حاوی مس به بدن آن‌ها موجب بیماری‌هایی شده است. چرا راهکارهای ساده‌ای را مانند احداث بادشکن، آب‌پاشی روزانه و فناوری‌های تثبیت خاک در معادن به کار نمی‌گیرید؟ در همین مؤسسه تحقیقات، تجارب ارزشمندی در کنترل گردوغبار معادن وجود دارد که کمک‌حال کاهش پیامدهای منفی حاصل از توسعه معادن است.

ما مخالف معدن و بهره‌برداری از آن نیستیم. چرا پس از بهره‌برداری، عملیات احیایی و مدیریت باطله‌ها را انجام نمی‌دهید؟ معدن شن و ماسه‌ای که از کنار هامون سیستان برداشت می‌شود و کمپرسی‌هایی که از داخل هامون خشک‌شده برداشت می‌کنند، از عوامل مهم فعال‌شدن کانون گردوغبار هستند. یکی دیگر از پیامدهای منفی توسعه معادن برهم‌زدن ژئومرفولوژی طبیعی یا شکل ناهمواری‌هاست، این امر در نواحی کوهستانی کاملاً محرز است. چشم‌انداز روستاهایی با چندین هزار سال قدمت در حال نابودی است، گاهی روستاییان با من تماس می‌گیرند و التماس می‌کنند برای کاهش این پیامدهای منفی به آن‌ها کمک کنیم. مسئول مستقیم این مشکلات، بخش وزارت صنعت و معدن است و باید فکری برای حل آن‌ها بکند. آقای دکتر پورمقدم، ما در اجرای قانون مشکل داریم. قانون به‌طور مشخص بیان کرده است، چه کاری باید انجام دهیم، متأسفانه نمی‌پذیریم که توسعه معادن با تخفیف پیامدهای منفی امکان‌پذیر است. حتی یک آب‌پاشی ساده در جاده‌های منتهی به معادن مستقر نمی‌شود تا گردوغبار کاهش یابد، بادشکن در مسیر باد احداث نمی‌شود تا تولید گردوغبار کمتر شود. باطله‌ها با پوشش گیاهی پوشانده نمی‌شوند. مشکل نبود قانون نیست، قانون به اندازه کافی وجود دارد. مشکل، نبود نظارت بر اجرای قانون است. معدن‌داری که اداره محیط‌زیست و منابع طبیعی را در درسر می‌داند، همیشه سردرگمی ایجاد می‌کند و به‌قول معروف موضوع را می‌پیچاند تا بهره‌برداری را سریع انجام دهد، معدن را رها کند و بدون عملیات احیای برود. از نظر بنده نیز برگزاری این نشست‌ها نقاط قوتی در کشور هستند تا بتوانیم چند قدم مؤثر در حفظ و بقای محیط‌زیست و منابع طبیعی رنجور کشور برداریم. از آقای دکتر علیزاده هم تشکر می‌کنم که توجه ویژه به این موضوع داشتند. در پایان به معدن آهکی اشاره می‌کنم که در میان جنگل‌های ژاپن از آن بازدید کردم، بهره‌برداری از آن به‌قدری با سلیقه و با توجه به حفظ محیط‌زیست و دقیق انجام می‌شد که کمترین آسیب به محیط وارد شود. آموزش معدن‌داران برای آگاهی از موضوع محیط‌زیست و منابع

طبیعی اهمیت زیادی دارد، اگر کمی دقت کنیم، بی‌شک مسائل قابل حل هستند.

طبیعت ایران: جناب آقای دکتر پورمقدم، لطفاً مطالب پایانی خود را بیان نمایید.

دکتر مجید پورمقدم (دبیر محترم کارگروه‌های تعامل میان منابع طبیعی، محیط‌زیست و وزارت صمت)

بنده دوباره از همه حضاران و آقای دکتر علیزاده تشکر می‌کنم، از مطالب ارائه‌شده استفاده و نکاتی را یادداشت کردم. ضمن ابراز علاقه به این محیط پژوهشی، به نظر می‌رسد می‌توانیم از طریق این مؤسسه دو کار پژوهشی انجام دهیم که بخش معدن نیز در آن مشارکت کند.

نظر به تعاملات زیادی که با آقای دکتر اکبریان دارم، یکی از این موارد می‌تواند پیرامون موضوع احیا و بازسازی باشد، یک کار مشترک با بخش معدن. بنده قانون وضع‌شده را قبول ندارم و در این خصوص گله دارم. برنامه پنجم قانون معادن می‌گوید، احیا و بازسازی ناشی از تخریب معادن به عهده سازمان وزارت جهاد کشاورزی و سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری است. پیش‌تر کلمه جنگل نیز قید شده بود، ولی هم‌اینک حذف شده است. از ۱۴ هزار معدنی که عملیات بهره‌برداری از تعداد زیادی از آن‌ها تمام شده است، چند مورد احیا و بازسازی شده است؟ به ده عدد هم نمی‌رسد. اعتبار اختصاص داده نشده است. اینکه اعتبار به وزارت جهاد کشاورزی داده نشده است، از نبود صلاحیت امور مالی سازمان و ذی‌حساب آن است. به هیچ‌کدام از ما مربوط نیست، ذی‌حساب باید بانک مرکزی را زیر سؤال ببرد و او را بازخواست کند، چون قانون، این تخصیص را در نظر گرفته است. هم‌اکنون هزار فقره معدن در مناطق حفاظت‌شده قرار دارد، همه نیز پلی‌متال هستند. این همه حقوق دولتی به آن‌ها تزریق می‌شود. چند تا از آن‌ها بازسازی شده است؟

بنده اینها را از خانم انصاری سؤال کردم.

به‌خاطر اینکه این موضوع گریبان‌گیر منابع طبیعی نشود، از نظر بنده بهتر است، وقتی ذخیره معدن تمام شد، احیا و بازسازی آن شروع شود.



یعنی در حین استخراج می‌توان احیا و بازسازی کرد، به بیان بهتر، وقتی ذخیره یکی از دهانه‌های معدن تمام شد، به منابع طبیعی واگذار شود تا احیا و بازسازی آن را شروع کنند. اما آیا منابع طبیعی می‌تواند این کار را انجام دهد؟ متأسفانه خیر. بهتر است منابع طبیعی، با همکاری سازمان‌های مردم‌نهاد بخش معدن و همین مؤسسه کار احیا و بازسازی را انجام دهد. در واقع از طریق شما می‌توان نهضت احیا و بازسازی معدن کشور را آغاز کرد.

به سرفرتان به زاین اشاره کردید، اجازه دهید بنده هم به یک معدن طلا در قلب توکیو اشاره کنم، بعد از اتمام ذخیره این معدن، آن را احیا و بازسازی و تبدیل به یک موزه طلا کردند، طلا بسیار جذاب است، به خصوص برای خانم‌های ایرانی، به طوری که با توجه ویژه به استفاده از آن در رتبه پنجم جهان قرار دارند، نکته جالب درباره این معدن اینکه درآمدهای حاصل از توریست‌ها برای بازدید موزه، به مراتب بالاتر از احیای معدن بود. می‌بینید چه تفکر و منطق خوبی پشت این کار وجود داشته است، ما هم باید این‌طور عمل کنیم. وقتی نهضت احیا و بازسازی شکل بگیرد، ما هم کمک می‌کنیم، خانه معدن ایران و تشکل‌های دیگر کمک‌کننده هستند. البته در قانون ذکر شده است خانه معدن ایران می‌تواند به‌عنوان یک سازمان مردم‌نهاد رسمی کمک‌کننده باشد و همه را بسیج کند. امید اینکه این حرکت در جهت احیا و بازسازی معدن کشور آغاز شود.

آقای دکتر متین‌زاده به ارزش‌گذاری گونه‌های گیاهی باغ گیاه‌شناسی ملی ایران از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس اشاره کردند، لازم است بدانیم، ارزش‌گذاری معدن کشور ۷۰۰ میلیارد دلار بوده است. به قول آقای دکتر علیزاده، اینکه ما فقط به فکر کمیت باشیم و ارزش‌افزوده را در نظر نگیریم و درآمدزایی نداشته باشیم، بی‌فایده است.

در خصوص معدن شن و ماسه واقع در مسیر شهریار باید به آگاهی برسانم، این معدن زیرمجموعه ما نبودند، در واقع زیرمجموعه دفاتر فنی استانداری و وزارت کشور

بودند. در قانون بودجه سال ۱۳۶۳ به دلیل دفاع مقدس و برای تأمین درآمد برای استانداری‌ها، تمام معادن آبرفتی به دفاتر فنی واگذار شد، این قانون در سال ۱۳۶۴ تغییر نکرد و تا ۱۳۹۰ همچنان ادامه داشت، در سال ۱۳۹۰ که قانون اصلاح شد، این معدن به سمت ما گرایش پیدا کردند که البته اشتباه بود. مثل یک زندانی، که بیست و پنج سال در یک سلول انفرادی باشد، نه آفتاب به او تابیده و نه با کسی معاشرت کرده، حال رها شده است. حتی آداب اجتماعی نمی‌داند. هیچ‌کدام از مسائل فنی، حقوقی و ایمنی رعایت نشده، حقوق دولتی برای آن پرداخت نشده و بدون تعارف، همه امور از طریق رانت و مافیای پیش رفته است. حالا این معدن به ما واگذار شده است، معادنی که اصلاً مشخص نیست، توسط چه کسانی مدیریت شده‌اند. هم‌اکنون ما در حال ساماندهی آن‌ها هستیم.

بنده پیش‌تر پیشنهاد کردم، یک مرکز تحقیقات شن و ماسه برای کشور در همین شهر قدس راه‌اندازی شود که البته با آن موافقت نشد. طبق تبصره پنج قانون معدن، آن دسته از معادنی که ضوابط زیست‌محیطی را رعایت می‌کنند، با تأیید شورای عالی معدن تا بیست درصد از حقوق دولتی معاف می‌شوند. این موضوع را با جناب آقای دکتر اکبریان در میان گذاشتیم و گفتیم آقای دکتر اکبریان، قانون هم می‌گوید محیط‌زیست. باید منابع طبیعی را نیز به کارگروه تعامل اضافه کنیم. معادنی که بهره‌برداران آن ضوابط محیط‌زیست و منابع طبیعی را رعایت کنند، البته با تأیید شورای عالی معدن، تا بیست درصد از حقوق دولتی معاف می‌شوند. این هم می‌تواند جزو دستور کار مرکز باشد.

ما نیز در مدیریت باطله‌ها مشکل داریم. یکی از مواردی که خود بنده نسبت به آن گلایه دارم، همین جاده هراز است. من هم وقتی با خانواده از این جاده عبور می‌کنم، خجالت می‌کشم. اما آیا فکر می‌کنید همه اینها آثار معدن است؟ طبق ماده ۲۴ قانون، ما می‌خواهیم استعلام بگیریم، شما تأیید کرده‌اید، اگر شما مخالفت می‌کردید، عرصه سر جای خود می‌ماند.

آقای دکتر علیزاده عزیز، درختان سیلیسی شده

اردبیل در میان معدن‌کاری‌ها، ماشین‌آلات سنگین، لودرها و بیل‌های مکانیکی در حال نابودی بودند. گفتیم اینها را حفظ کنید، گفتیم اینها را جزو منطقه حفاظت‌شده اعلام کنید. نامه‌نگاری کردیم، منطقه تعیین شد و دیگر هیچ‌گونه تخریب و تصرفی در آنجا اتفاق نیفتاد. ما هم برای حفظ محیط‌زیست تلاش می‌کنیم. لایحه آبخیزداری در کمیسیون زیربنایی دولت با مخالفت مواجه شد، از اینکه کدام دستگاه‌ها مخالف بودند، می‌گذرم. آقایان افلاطونی و وحید تشریف داشتند. آقای وحید مخالفت می‌کردند، آقای افلاطونی آن را اصلاح می‌کردند. همه دستگاه‌ها مخالف بودند. دبیر کمیسیون دولت متوجه منطقی بودن عریضم شد، متوجه شد بنده در کمال بی‌طرفی، واقع‌بینانه صحبت می‌کنم. اجازه خواستم سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور به صورت تخصصی وارد شود. آقای وزارت نیرو، هیچ‌کس نمی‌خواهد به جای شما بنشیند، نیت ما فقط کمک به شماست. آقای دکتر عباسی، دبیر کمیسیون دولت، نظرات بنده را تصدیق کرد و سپس با اکثریت آرا شورای عالی آب به شورای عالی آب، آبخیزداری و منابع طبیعی ارتقا یافت. چرا؟ چون با احساس و صداقت همه دغدغه‌ها را مطرح کردم، هم‌اینک هم با افتخار می‌گویم، یکی از عوامل اصلی این شورا خود بنده بودم. در مورد قانون حفاظت از خاک نیز، بنده به آقای دکتر نیازی کمک کردم تا لایحه قانون حفاظت از خاک تدوین شود، درست است هم‌اکنون می‌گویید قدیمی است، اما کمک کردم تا تصویب شود. آقای دکتر، قرق اختصاصی محیط‌زیست را نیز، بنده تلاش کردم تا در کمیسیون زیربنایی دولت شکل بگیرد.

خواهش بنده اینکه موضوع معدن در این مؤسسه به‌عنوان یک کار پژوهشی، به‌عنوان یک مسئولیت اجتماعی دیده شود. آقای دکتر علیزاده، لازم است به آگاهی برسانم، طرحی در این زمینه نوشته شده و در حال تصویب نهایی است.

آقای دکتر علی علیزاده علی‌آبادی:

آقای دکتر پورمقدم، ما هم می‌توانیم در این طرح مشارکت کنیم.

آقای دکتر مجید پورمقدم:

به جای مخالفت، زمان بگذارید و بگویید این موارد را رعایت کنید، این مسئولیت اجتماعی استاندارد است که شما می‌توانید آن را نهادینه کنید. در پایان، یک مورد را عرض می‌کنم، اگر منابع طبیعی، یک عرصه کوچک را برای مواد معدنی، شن و ماسه و سنگ تزئینی واگذار کند، باطله‌ها در یک جا دپو می‌شوند و از پخش شدن آن‌ها جلوگیری می‌شود. پراکندگی باطله‌ها هم از جهت مرفولوژی، به هم ریختگی ایجاد می‌کند و هم از جهت هیدرولوژی منطقه را دچار مشکل می‌کند. وقتی این باطله‌ها در یک جا دپو شوند، منطقه پاکیزه و زیبا می‌شود، باطله‌ها مدیریت و در نهایت فراوری می‌شوند. بنده یک گواهی ثبت اختراع برای تولید سنگ‌های آنتیک از لایه‌های باطله دارم. البته این یکی از پنج اختراعی است که ثبت کرده‌ام. در واقع، معدن شبیه گوسفندی است که گوشت، پوست، استخوان و کله‌پاچه‌اش همگی قابل استفاده‌اند، در معدن هم نباید چیزی به نام باطله وجود داشته باشد.

طبیعت ایران: جناب آقای دکتر علیزاده، لطفاً با

توجه به مطالب مطرح شده از سوی حاضران، مطالب را جمع‌بندی نمایید.

دکتر علی علیزاده علی‌آبادی

باز از همه حاضران تشکر می‌کنم، مطالب خوبی مطرح شد، همان‌طور که می‌دانید، نشست امروز، اولین جلسه در ارتباط با معدن و تأثیرات آن بر محیط‌زیست، جنگل و مرتع است و نباید آخرین جلسه هم باشد، به‌زودی ان‌شاءالله به کمک بخش مرتع و همین‌طور قسمت گفت‌وگوی چالشی نشریه طبیعت ایران، جلسه‌های بعدی برگزار خواهند شد. درست اشاره شد، موضوع، نوع رویکرد است. رویکرد ما به‌عنوان منابع طبیعی، چه در سازمان منابع طبیعی، چه در سازمان محیط‌زیست و چه در مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور، اینکه نباید برای توسعه، صرفاً از ثروت میراثی خود استفاده کنیم، ثروتی که به دست ما رسیده است و باید آن را به آیندگان بسپاریم. چراکه چنین کاری را یک بچه نازپرورده انجام می‌دهد که فقط به ارث و سرمایه و املاک و دارایی پدری خود بسنده کرده است و بدون نشان دادن ذره‌ای از علم و توان کاری خود،

هنرش تنها فروش آن دارایی‌ها بوده است و حتی برای توسعه فعالیت‌های خود هم، مثلاً رنگ زدن خانه یا بزرگ‌تر کردن آن، به فروش دارایی‌ها تکیه می‌کند. درحالی‌که نخست، باید دارایی‌ها را تبدیل به ثروت کنیم و دوم، ثروت را برای درآمدزایی مداوم به کار بگیریم. بنابراین، ما معتقدیم باید به دارایی‌های معدنی خود به‌عنوان ثروت نگاه کنیم تا بتوانیم با تبدیل آن‌ها به محصولات با ارزش‌افزوده بالاتر، به درآمدزایی برسیم، کل درآمد توسعه کشور را نیز وابسته به معادن نکنیم، یک کشور معدن‌پایه نباشیم، بلکه علم‌پایه و علم‌بنیان باشیم و سعی کنیم از روش‌های مختلف دیگر درآمدزایی داشته باشیم. این اصل قضیه است. ما به‌عنوان محیط‌زیست و منابع طبیعی و جنگل و مرتع باید تمام تلاش خود را بر این قسمت بگذاریم و آن را پررنگ‌تر کنیم. طبیعی است که وزارت صنایع و معادن هم برای گسترش معادن خود فعالیت می‌کنند، اگر تعامل خود را بیشتر کنیم و نظرات خود را مطرح کنیم، حتماً بر نظرات آن‌ها تأثیر خواهد گذاشت.

به اصول معدن‌کاوی و استخراج از معدن در سایر کشورها نیز اشاره شد، این کشورها در





نظم جهانی سرمایه‌داری، کشورهای نبودند که بخواهند از ذخایر خود استفاده کنند. آن‌ها دنیا را به دو قسمت تقسیم کرده بودند: کشورهای مرکزی و کشورهای پیرامونی. کشورهای مرکزی، کشورهای صنعتی مانند آمریکا و اروپا بودند و کشورهای پیرامونی، تأمین‌کننده مواد اولیه برای کشورهای مرکزی بودند. به عبارت بهتر مواد اولیه از کشور پیرامونی استخراج می‌شد، محیط‌زیست آن کشور تخریب می‌شد و کارگران معدن آن کشور از بین می‌رفتند و اینها ذره‌ای برای کشورهای مرکزی مهم نبودند. مهم تأمین مواد اولیه دنیای صنعتی است، همین مواد اولیه در دنیای صنعتی فرآوری می‌شود و دوباره به همان کشورهای پیرامونی فروخته می‌شود و این‌چنین چرخ سرمایه‌داری دنیا می‌چرخد. تعداد معادنی که در کشورهای مرکزی وجود دارد بسیار اندک است و اگر به تازگی و آن هم بنا به ضرورت دست به استخراج آن‌ها می‌زنند، بدون تردید تمهیدات مختلفی را در نظر گرفته‌اند، که بی‌شک یکی از آن‌ها حفاظت از محیط‌زیست است، آن‌ها به هیچ‌عنوان اجازه نمی‌دهند اوضاع کشور به هم بریزد، آن هم به خاطر استخراج از یک معدن.

نکته مطرح‌شده دیگر، بحث «معدن سبز» بود که نیازمند مراقبت فراوانی است، نه تنها در بخش معدن، بلکه در بخش صنایع نیز باید مراقب بود. چیزی که به نام صنایع یا معادن سبز در حال مطرح‌شدن است، در واقع «سبزشویی» است. همان‌طور که اشاره شد، در یکی از کارخانه‌ها مباحث سبز مطرح شده است، ولی در عمل راه دیگری را در پیش گرفته‌اند و به شکل دیگری اقدام کرده‌اند. متأسفانه بخش زیادی از فعالیت‌های درخت‌کاری و مانند آن که از سوی برخی از صنایع به‌عنوان وظایف و مشارکت‌های اجتماعی انجام می‌شود، بیشتر در قالب فاکتورهای غیرواقعی است. هرچند خود را حامی محیط‌زیست نشان می‌دهند و می‌گویند در حال فعالیت برای حفاظت از محیط‌زیست هستند، اما همه اقداماتشان در چهارچوب و مفاد سبزشویی انجام می‌شود، متأسفانه این

موارد به شدت رواج یافته است، به بیان بهتر، به اسم حمایت و مشارکت‌های مردمی و حمایت از درخت‌کاری و محیط‌زیست، راحت‌تر اهداف خود را پیش می‌برند.

مطالب ارائه‌شده در این نشست را این‌طور جمع‌بندی می‌کنم، نخست، همه ما بر این باوریم که باید از منابع معدنی خود استفاده کنیم. دوم، همگی مخالف خام‌فروشی هستیم. سوم اینکه ضروری است محیط‌زیست، منابع طبیعی، جنگل‌ها و مراتع را در استخراج معدن و فروش تولیدات معدنی به‌صورت فراوری‌شده در نظر بگیریم تا کمترین خسارت به آن‌ها وارد شود. در این رویکرد، طبق فرمایش یکی از دوستان، تجدیدنظر در برخی مواد قانونی لازم است. تعامل بین صنعت و منابع طبیعی، چه محیط‌زیست، چه منابع طبیعی و چه مرتع موضوع مهمی است که باید به آن توجه شود، جلسات تعاملی بیشتری باید برگزار شوند، هرچه تعداد این جلسات بیشتر باشد، نقطه‌نظرات به هم نزدیک‌تر می‌شوند، بنابراین می‌توان در تدوین مقررات و مباحث دیگر، به حداکثر بهره‌برداری طرفینی رسید. وقتی قوانین تدوین شوند، موارد حاشیه‌ای مانند مواد باطله یا مباحث این‌چنینی قابل‌حل خواهد بود. موارد مطرح‌شده توسط آقای دکتر اکبریان هم، ذیل همین کلیاتی است که خدمتتان عرض کردم، مثلاً اصلاح دقیق قانون معادن براساس تفکرات زیست‌محیطی، استعمال ماده ۲۴ از محیط‌زیست برای همه عرصه‌ها، تدوین بلک‌لیست منابع طبیعی و استعمال در سایر عرصه‌ها، تهیه ضوابط زیست‌محیطی برای معدن‌کاری، دریافت چالش‌های منابع طبیعی و محیط‌زیست برای طرح در جلسات عادی، ملی‌شدن معدن‌کاوی و حذف شخصی‌بودن آن. یکی از مباحث مهم اینکه گاهی معدن به‌عنوان یک رانت در نظر گرفته می‌شود. گاهی این رانت، موجه است و گاهی غیرموجه. به‌هرحال می‌تواند مفاسدی را نیز به همراه داشته باشد، بی‌تردید وزارت صمت این موارد را در نظر می‌گیرد، برای آن‌ها تدابیری می‌اندیشد و تلاش می‌کند این‌گونه موارد به حداقل برسند. موضوع بعدی، پژوهش بر روش‌های سبز معدن‌کاوی است، ضروری است روش‌های درست و واقع‌بینانه معدن‌کاوی وجود داشته

باشد. هنوز کارخانه‌هایی وجود دارند که یک نوار کوچک سبز کاشته و سعی کرده‌اند با همان، که مشخص نیست چقدر اصولی بوده است، وانمود کنند، شرایط و اصول سازمان منابع طبیعی و محیط‌زیست را انجام داده‌اند. تعیین تکلیف باطله‌های معدنی هم آخرین موردی بود که دوستان به آن اشاره کردند.

به‌هرحال، تنها موردی که شاید بتوانیم در پایان این جلسه پیرامون آن اتفاق نظر داشته باشیم و آن را پیگیری کنیم، برگزاری جلسات بعدی است، همکاران ما سعی می‌کنند جلسات بعدی را با همین بزرگواران و سایر دوستان صاحب‌نظر در بحث معدن و موارد قانونی و اجرایی آن، در محل مؤسسه برگزار کنند. البته ممکن است بسیاری از موارد ارتباط چندانی به منابع طبیعی و محیط‌زیست نداشته باشد و مربوط به معدن‌کاران باشد، مثلاً نحوه تولید به چه شکل است، چقدر به کارگران معدن توجه می‌شود، چقدر حقوق آن‌ها رعایت می‌شود، چقدر امنیت آن‌ها در نظر گرفته می‌شود، چقدر امنیت معدن در نظر گرفته می‌شود، حقوق کارگران چقدر است، چه میزان از ارز حاصل از صادرات محصول برداشت‌شده از معدن، به جایی که باید برمی‌گردد، سود حاصل چقدر است، مسائل این‌چنینی ارتباط زیادی به ما ندارد. البته سؤالات زیادی در این رابطه وجود دارد. ان‌شاءالله در جلسات بعدی به کمک خود شما بزرگواران و افرادی که شما پیشنهاد می‌کنید، بحث را ادامه خواهیم داد تا به یک جمع‌بندی برسیم، امیدوارم بتوانیم گامی را برای پیشبرد مباحث تولیدی کشور و توسعه کشور برداریم، به‌نحوی که هم سرمایه کشور حفظ شود و هم محیط‌زیست.

طبیعت ایران: از همه عزیزانی که در جلسه حضور داشتند و تجربیات خود را بدون چشمداشت در اختیار علاقه‌مندان قرار دادند، قدردانی می‌کنیم و امیدواریم مطالب ارائه‌شده، ما را در دستیابی به اهدافمان در بحث حفظ منابع طبیعی و محیط‌زیست و استفاده درست از معادن یاری نماید.